

## پیام نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

هم میهنان عزیز!

سال ۱۳۶۶ پایان می‌یابد. سالی که گذشت، سال پیکارها، پایداری‌ها و امیدها و در عین حال، سال رنج‌ها و دردها و نگرانی‌ها بود. از آنجا که گرامیداشت سنت‌های نیک انسانی، بخشی از هویت ملی ما ایرانیان را تشکیل می‌دهد، مردم میهن ما شایسته می‌دانند که با الهام از بهار و بیداری طبیعت و پویه نوشدن‌ها، کینه‌ها و کدورت‌های بی‌معنا از میان انسان‌ها رخت بربندند و صلح و آشتی و آزادی و مهر و محبت در جان‌ها جا خوش کند. دریغ و درد، که در نتیجه سیاست واپسگرایانه رژیم "ولایت فقیه"، ساهاست جامعه ما رنگ آزادی و صلح و آرامش بخود ندیده است. امسال نیز هزاران هزار خانواده در سوگ عزیزان خویش سیامپوش شدند. **بمقیه در ص ۲**

نوروز باستانی، جشن شورانگیز بهار و رستاخیز طبیعت را به مردم ستم‌دیده میهنان که سالی پر رنج و رزم را پشت سر گذارده‌اند، به اعضا و هواداران حزبمان که در شرایط دشوار کنونی سرافرازانه درفش پیکار در راه بهروزی خلق را پر دوش دارند و به همه کسانی که هوا و آرزوی بهار زندگی انسانی و رستاخیز آینده ساز اجتماعی و نوروز پرشکوه پیروزی‌را در سینه دارند، صمیمانه شادباش می‌گوئیم و امیدواریم دیری نیاید که میهن دربند و چنگ زده مان، در پرتوی پیوند نیروهای دوستان آزادی و صلح از عطر گل‌های بهاری و آوای دلپذیر پرندگان آزادی و صلح سرشار شود. **☆**



ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۹۸ دوره هشتم  
سال چهارم سه‌شنبه ۱۳۶۶/۱۲/۲۵  
بها ۲۰ ریال

## “فضای صد در صد سالم”

اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، که اخیرا در ژنو پایان یافت، با صدور قطعنامه‌ای، نقض حقوق بشر در افریقای جنوبی، شیلی، اسرائیل و چ.ا. را محکوم کرد. این رژیم‌ها، که نفرت بشریت مترقی در سراسر جهان را برانگیخته‌اند، از مظاهر آزادی‌کشی و ستم، بویژه در حق نیروهای آزادی‌خواه و مترقی‌اند.

حقوق بشر و چوه گوناگونی دارد که در جمهوری اسلامی نفی می‌شود. یکی از مهم‌ترین و چوه آن، آزادی احزاب، تشکل‌های صنفی-سیاسی و تشکل اجتماعات است. با آنکه در قانون اساسی چ.ا. بر این آزادی‌ها تاکید شده است، رژیم همواره آن‌ها را مورد دستبرد و هجوم قرار داده و می‌دهد. یورش خونین به حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان مجاهدین خلق و دیگر احزاب و سازمان‌های مترقی و انقلابی نمونه‌های روشنی از این سیاست رژیم است. با آن که رژیم همواره وعده اجرای قانون احزاب را داده است و می‌دهد، تاکنون هیچگاه به آن عمل نکرده است. حتی در راه فعالیت برخی از نیروها که با کژدار و مریز کار علنی و یا نیمه علنی سیاسی خود را، در چارچوب نظام چ.ا. ادامه می‌دهند، سنگ می‌اندازد. موضع‌گیری‌های وزیر کشور در آستانه انتخابات دوره سوم مجلس، این واقعیت را به نحو بارزی آشکار می‌سازد.

رژیم که نگران عدم اعتماد اکثریت مردم نسبت به عناصر شناخته شده خویش است، تمام **بمقیه در ص ۵**

### در صفحات بعد

- برستهای بی‌باسبخ **در ص ۴**
- پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت **جهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری سازمان جوانان توده ایران در ص ۲**

## انتقامجویی‌های جنایتکارانه

آماج آنها هستند.

این چنگ بیرحمانه علیه اهالی غیر نظامی، مایه نگرانی محافل صلحدوست بین‌المللی نیز شد. نماینده اتحاد شوروی در شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهان تشکیل جلسه اضطراری شورا برای کوشش در راه قطع این جنایت‌های گسترده گردید ولی همان محافظی که موجب برانگیختن موج تازه "چنگ شهرها" شده بودند و به تهللیغات موزیانه ضد شوروی در خارج و **بمقیه در ص ۲**

این روزها چنگ ایران و عراق وارد مرحله بسیار وحشیانه و خطرناکی شده است. پس از بمباران منطقه‌ای از تهران توسط هواپیماهای عراقی و کشته و زخمی شدن گروهی از هوطنان ما، رژیم جمهوری اسلامی چند موشک پسوی بغداد پرتاب کرد. سپس رژیم بغداد به تلافی جویی برخاست و در ظرف چند روز با بیش از ۲۰ موشک زمین به زمین تهران و همچنین با بمب و موشک و گلوله توپ، ۲۰ شهر دیگر ایران را آماج حملات وحشیانه خود قرار داد. البته شهرهای عراق، هم از حملات خونین رژیم تهران برکنار نماندند و بهز چهار شهر "امن" بقیه آنها منظمآ زیر آتش توپخانه دوربرد ایران بودند و هدف بمب و موشک قرار می‌گرفتند. این تصاعد دیوانه وار انتقام گیری، بیش از ده روز است ادامه دارد و همه روزه چند صد تن کشته و زخمی و زیان‌های فراوان اقتصادی در دو کشور بهجای می‌گذارد. البته خسارات فرهنگی این بمباران‌ها و موشک پراخی‌ها هم چهران ناپذیر است، چراکه شهرهای با اینیه تاریخی مانند شیراز و اصفهان و بغداد

بیداری طبیعت از خواب زمستانه را با کلکشت الهامبخش در گلزار یاد بخون خفتگان خلق و یاران دربند جشن بگیریم!  
سرمست از عطر دل‌انگیز اندیشه‌های همیشه بهاریمان، رستاخیز طبیعت را با رستاخیز اندیشه و کار، خوبی و خرد، عشق و امید، پاک و پیوند و پیوندگی در آمیزیم، و به پیشواز نوروز و بهار برویم!

## احزاب منطقه درباره افغانستان و فلسطین

احزاب کمونیستی و کارگری منطقه مدیترانه شرقی و خاور نزدیک و میانه، از جمله حزب توده ایران، در دو اعلامیه درباره گفتگوهای غیر مستقیم افغانستان و پاکستان و قیام مردم فلسطین در مناطق اشغالی اسرائیل موضع گرفتند. احزاب منطقه در اعلامیه مشترک درباره افغانستان دولت‌های پاکستان و ایالات متحده امریکا را به سنگ اندازی در راه حل مسائل پیرامون افغانستان متهم می‌کنند. این احزاب در اعلامیه‌ای دیگر مہبتگی خود را با خیزش مردم فلسطین علیه اشغالگران **بمقیه در ص ۵**

## چهلین سال پیروزی فوریه

بیست و پنجم فوریه\* سال ۱۹۴۸ از تریبون گردهمایی بزرگ زحمتکشان چکسلواکی در یکی از میدان‌های تاریخی پراگ، کلنت گتوالد، رهبر حزب کمونیست و رئیس دولت چکسلواکی، اعلام کرد: "بحران دولت که توسط بورژوازی مرتجع برانگیخته شده بود پایان یافته و تمامی قدرت سیاسی در دست طبقه\* کارگر متمرکز گردیده است."

امسال در مراسم یادآوری پیروزی فوریه دهها هزار تن از ساکنان پراگ در میدان تاریخی پراگ کرد آمدند تا مراسم چهلین سال پیروزی فوریه را برگزار کنند. **بمقیه در ص ۷**

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## پیام نوروزی \* \* \*

در آستانه سال نو جنگ بار دیگر به شهرها کشانده شد. مردم بی دفاع آماج حملات موشکی و بمبارانهای هوایی هستند. مادران و پدران و فرزندان ما را هم در جبههها جنگ فرسایشی و هم پشت جبههها گروه - گروه به خاک و خون می کشانند. رژیم که باید از زندگی شهروندان در مقابل حملات دشمن دفاع کند، مرگ و شهادت را تبلیغ می کند. عفریت جنگ و مرگ، برخانهها و کاشانهها سایه افکنده و ساقههای زندگی مردم میهن را درو می کند.

سیاست هیئت حاکمه در کلیه عرصهها علیه منافع تودههای میلیونی زحمتکش است. بیکاری و فقر و تنگدستی و بی خانمانی بیداد می کند. ارگانهای سرکوبگر زندگی را بر انسانها تیره ساخته اند. میلیونها ایرانی از ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای دمکراتیک محروم هستند. سران جنایت پیشه رژیم بی پرده از قبول منشور حقوق بشر مصوب سازمان ملل متحد سرپیچی می کنند. زندانها انباشته از مبارزان راه سعادت مردم هستند. استبداد و خودکامگی و تبعیت از امیال یکفرد جایگزین اراده تودههای خلق شده است.

## ژنان و مردان آزاده!

رژیم قرون وسطائی استبداد مذهبی خمینی دشمن سرخت فرهنگ و سنن و آداب ملی خلقهای ساکن میهن ماست. او و پاراناش سالهاست کوشیده اند و اکنون نیز می کوشند تا از برکزاری وسیع و باشکوه مراسم نوروزی جلوگیری کنند. ما باید این توطئه را مانند همیشه خنثی کنیم. باید علیرغم رنجها و عذابها و علیرغم غم و اندوه بی پایان تا آنجا که در توان داریم به استقبال سال نو برویم. نوروز جشن آغاز بهار، جشن آغاز شکوفایی طبیعت و جشن شکوهمند زندگی است. برکزاری هرچه گسترده تر نوروز خود مبارزه ای است علیه مبلغان و منادیان جهل و مرگ، علیه آتش افروزان جنگ خانمان برانداز، علیه ارتجاع غارتگر و جنایتکار.

ما از همه آزاد زنان و آزاد مردان و همه انساندوستان دعوت می کنیم که در این روزها معلولان و آوارگان جنگ و خانوادههای عزادار، زندانیان سیاسی و خانوادههای آنها را فراموش نکنند و تنها نگذارند. این یک وظیفه مقدس انسانی است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران سال نور را به همه شا هم میهنان از صمیم قلب تبریک می گوید. ما توده ایها همیشه در غم و شادی شامریک بوده ایم و آبی پرچم خونین پیکار در راه نیکبختی خلق را بر زمین نگذارده ایم و در این راه قربانیهای بیشاری داده ایم، می دهیم و خواهیم داد. ما به آینده سعادت مند مردم میهن خود خوشبین هستیم و اعتقاد راسخ داریم.

در آستانه سال نو که برای همه ما گرامی است، کمیته مرکزی حزب توده ایران از شما آزاد زنان و آزاد مردان، از کلیه احزاب و سازمانها و شخصیت های انقلابی، آزادیخواه، مترقی و میهن دوست می طلبد تا زیر پرچم آزادی و صلح و دو شعار مورد قبول عام گرد آیند و سال ۱۳۶۷ را به سال اتحاد و تشدید مبارزه علیه رژیم خودکامه و بازگرداندن

## انتقامجویی های ...

داخل کشور دامن می زدند، در راه بررسی این مسئله در شورای امنیت سنگ اندازی کردند.

موافق آخرین خبرها عراق اعلام کرده است که از ساعت ۱۶ روز جمعه (۲۱ اسفند) به دور تازه "جنگ شهرها" پایان خواهد داد. ایران هم از سوی خود گفته است که پس از قطع حملات عراقیها از پرتاب موشک و بمباران شهرهای عراق خودداری خواهد کرد. اما حتی اگر این تصمیم به مرحله اجرا درآید آیا دلهره و نگرانی های بزرگی که مردم را در دو کشور آزار می دهد پایان خواهد یافت؟

انتگیزه شروع مجدد "جنگ شهرها" هرچه باشد، مردم دو کشور حق دارند بپرسند ادامه این جنگ ویرانگر به سود کیست؟ آیا ما اکنون داریم برای دفاع از سرزمین خود و داشتن حق زندگی آزاد و مستقل می جنگیم یا مقاصد دیگری داریم؟ خمینی و اطرافیان می گویند که مردم ایران دیوانه وار "عاشق شهادت" شده اند و می خواهند برای "آزاد کردن مستضعفان و پاهرمتگان جهان" که در میهن ما پس از "اسلامی" شدن انقلاب وضعیتشان روز بروز بدتر می شود، تا "آخرین منزل، آخرین نفس و آخرین قطره خون" بکشند و کشته شوند!

یکروز پس از آغاز دور تازه "جنگ شهرها" خمینی که به مناسبت زادروز امام اول، گروهی را در چهاران پذیرفته بود، طی سخنان کوتاهی به این حملات اشاره کرد و مدعی شد که گویا مادران ایرانی چنان به کشته شدن فرزندانشان معتقد شده اند که از حملات موشکی عراق، خنده شان می گیرد و تا یکی از پسرانشان از پای درمی آید، دیگری را، اگرچه خردسال، روانه کشتارگاه جنگ می کنند. او گفت: "برای ملتی که شهادت طلب است، شهادت با موشک یا تانک یا بمب فرقی نمی کند". به دیگر سخن گویا در جمهوری اسلامی همه اهالی در آرزوی مرگ زودرس روزشماری می کنند و جز برای نشیدن شربت "شهادت" عاشری ندارند. این دروغ های بیشمارانه ماهیت جنایتکار رژیم "ولایت فقیه" را آشکار می سازد. بیگمان هیچ انسان تندرست و عاقلی عاشق کشته شدن نیست و از مرگ بستگان و نزدیکان و آشنایان و هم میهنان خود و ویران شدن خانه اش شاد نمی شود.

مردم ما که سالها پیش دشمن متجاوز را شکست دادند و از سرزمین خود بیرون راندند، بویژه پس از آزاد کردن خرمشهر امیدوار بودند که باصلحی عادلانه و شرافتمندانه جنگ میان دو خلق برادر همسایه پایان پذیرد. اما سران مرتجع جمهوری

بهار آزادی و زندگی به میهن تبدیل کنند.  
زنده باد آزادی، مرگ بر ارتجاع!  
زنده باد صلح، مرگ بر جنگ!  
خجسته باد نوروز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اسلامی، روی حساب های غلط توسعه طلبانه، مانع از برقراری صلح شدند و هنوز هم با انواع بهانه تراشیها و لجاجت ناپخردانه می کوشند بزور اسلحه نظام مورد نظر خود را بر مردم عراق تحمیل کنند. جنگ خمینی با "استکبار جهانی" جنگی است به منظور "صدور انقلاب" که چشم اندازی برای پیروزی آن وجود ندارد و تنها می تواند به بهای بیهاد فنا دادن هستی مردم ایران تمام شود.

جنگ ایران و عراق، چه در جبهه و چه در پشت جبهه، باید هرچه زودتر پایان پذیرد و راه حل آن پذیرفتن قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد، قطع عملیات نظامی و نشستن طرفین پشت میز مذاکره به منظور دستیابی به صلحی عادلانه و شرافتمندانه و امتناع از دخالت در امور داخلی یکدیگر است. تلاش برای پیروزی نظامی از راه فرسودن عراق در جبهه و طرح شعارهای بی محتوایی از قبیل "سرنوشت جنگ باید در جبهه تعیین شود"، "ما حرف آخر را در جبهه می زنیم"، "جنگ را در جبهه های نبرد تا ناپودی دشمن صهیونیستی ادامه خواهیم داد"، که این روزها ورد زبان سران مرتجع جمهوری اسلامی است جز دردها و رنج های تازه برای مردم ایران و عراق و ناپودی دو کشور نتیجه ای بهار نمی آورد.

جنگ در این سال های پایان سده بیستم مانند جنگ های صدر اسلام نیست. اینک دیگر "جبهه" و "پشت جبهه" مفاهیم شرطی است. جنگ و پنهان اصلا جبهه نداشت. بمب اتمی و جنگ افزارهای شیمیایی و پاکتریولوژیکی برای کاربرد در جبهه ساخته نشده است. اگر فاجعه جنگ اتمی روی دهد یا جنگ شیمیایی و پاکتریولوژیکی آغاز گردد، بقای بشریت و بقای زندگی در روی کره زمین در معرض تهدید جدی قرار خواهد گرفت. آنکه همه مردم اعم از نظامی و غیر نظامی، مرد و زن و کودک و حتی چنانوران و گیاهان که در مناقشات میان انسانها دخالتی ندارند ناپود خواهند شد. جنگ همیشه جنگ است و در هر زمانی قوانین مخصوص خود را دارد. تا آسیاب خون و گوشت بچرخد، این قوانین وحشیانه و غیر انسانی عمل خواهد کرد. در جهان معاصر هر آتش در هر گوشه ای از کره زمین که روشن شود بالقوه می تواند تبدیل به آتش، فراگیر گردد و هستی بشر را با خطر مواجه سازد. بنا بر این هر کس جنگی را آغاز کند و هر کس آنرا پس از دفع تجاوز بیهوده ادامه دهد مرتکب بدترین جنایات علیه خلق خود و دیگر خلقها شده است.

هرگونه کوششی برای توجیه آدمکشی های خودسرانه، چه در جبهه و چه در پشت جبهه، چه بنام منافع "زمینی" و چه به خاطر هدف های "آسانی" چیزی جز خودفریبی و تلاش برای تحمیل دیگران نیست.

آن زمان فرارسیده است که نه تنها جنایت علیه اهالی غیر نظامی در شهرها، بلکه همچنین به خاک و خون کشاندن جوانان ایرانی و عراقی در جبهه های جنگ برای همیشه قطع گردد و مناسبات حسن همجواری جای خورنریزی و کشت و کشتار را بگیرد.

## اعلامیه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

برای دستگامهای اجرائی و امنیتی تأمین کرده است، برای بسط و تحکیم مبانی فکری ارتجاعی و به غایت عقب افتاده، خود بهره برداری می کند. زنان گروه گروه از کار اخراج می شوند، بر تعداد رشته های تحصیلی "ممنوعه" برای زنان هر سال افزوده می شود، مشارکت زنان در زندگی اجتماعی و سیاسی هر روز محدودتر می گردد، قوانین ارتجاعی جدید علیه حقوق طبیعی زنان به تصویب می رسند و جامعه بتدریج به دو بخش "زنانه" و "مردانه" تقسیم می شود.

در جمهوری اسلامی، به صراحت قانون زن در ردیف کودکان صغیر و دیوانگان قرار دارد. زن بدون اجازه، شهر یا پدر حق تحصیل، کار و مسافرت ندارد. برای طلاق رضایت و حتی اطلاع او لازم نیست. از حق نگهداری و سرپرستی فرزندان خود محروم است. زن ایرانی حتی بر جان خود نیز اطمینان نیست و مرد می تواند به بهانه "هتک شرف و حیثیت" خود بدون مجازات خون زن خود را بریزد.

### زنان آزاده ایران!

رژیم جمهوری اسلامی برای تأمین هدف های توسعه طلبانه و مداخله جویانه، خود، جنگ پیموده را ادامه می دهد. علیه جنگ و برای برقراری صلح مبارزه کنید!

ادامه حیات رژیم ارتجاعی در گرو تحمیق و فریب توده ها است. در مخالفت با جهل و عقب ماندگی و برای تأمین پیشرفت و ترقی اجتماعی متحد شوید!

رژیم برای ادامه حیات نتگین خود نیروهای مبارز و آگاه را به بند می کشد. برای نجات جان زنان و مردان زندانی سیاسی مبارزه کنید!

نیل به صلح، آزادی، برابری و پیشرفت با وجود حکومت جهل و جنگ و جنایت غیر ممکن است. برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به پا خیزید!

زنده باد ۸ مارس، روز رزم مشترک زنان جهان. درود بر زنان زندانی سیاسی، این اسطوره های مقاومت و شجاعت.

زنده باد صلح، مرگ بر جنگ و رژیم جنگ افروز جمهوری اسلامی.

### تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

اسفند ماه ۱۳۶۶

حزبی، خود را از هر جهت برای گسترش فعالیت در بین جوانان آماده سازد.

رققای جوان! ما بار دیگر ضمن تبریک جهل و پنجمین زاد روز سازمان جوانان توده ایران، برای شما پرچمداران جوان حزب آینده ساز توده ایران، در راه خدمت به خلق و طبقه کارگر پیروزی آرزو می کنیم.

خجسته باد جهل و پنجمین زادروز سازمان جوانان توده ایران!

گرامی باد خاطره شهیدان سازمان جوانان توده ایران!

درود آتشین به توده ایهای جوان در بند و دیگر زندانیان سیاسی!

### کمیته مرکزی حزب توده ایران

اسفند ماه ۶۶

زنان ایران در شرایطی روز جهانی زن را برگزار می کنند که ارتجاع قرون وسطایی و حکومت توسعه طلب و جنگ افروز بر میهن ما مسلط است. رژیم جمهوری اسلامی با ادامه جنگ خانمان برانداز ایران و عراق هزاران هزار نفر از شهروندان ایران را به کام نیستی فرستاده و مؤسسات اقتصادی و منابع ملی ما را به نابودی کشانده است.

امروز، ابعاد خطرات ناشی از ادامه این جنگ بی سرانجام از محدوده دو کشور متخاصم تجاوز کرده است. رژیم جمهوری اسلامی، هماهنگ با ایالات متحده آمریکا دامنه جنگ را به کشورهای منطقه گسترش می دهد. علیرغم های وهوی "ضد آمریکایی" و "ضد امپریالیستی" دستگامهای تبلیغاتی، اقدامات ماجراجویانه و خطرناک رژیم های جمهوری اسلامی و ریگان هسو و هماهنگ است. رژیم خمینی با تهدید آشکار دیگر کشورهای منطقه و مین گذاری آبهای بین المللی و به آتش کشیدن کشتی های نفتکش بهترین بهانه را برای تقویت بی سابقه حضور نظامی امپریالیسم آمریکار متحدانش در "ناتو" در خلیج فارس و دریای عمان فراهم می کند و در عین حال به بهانه حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و حمایت او از رژیم عراق، بسیج سراسری و وسیع جوانان و غارت بیشتر مردم ایران را تدارک می بیند. منطقه خلیج فارس به انبار باروتی تبدیل شده و نه تنها زندگی زنان و مردان و کودکان میهن ما، که زندگی مردم سراسر منطقه را به مخاطره جدی افکنده است.

قطع فوری جنگ و برقراری صلح مهمترین خواسته ما زنان ایران است. کودکان ما نان، بهداشت، مدرسه، مسکن و محیط آرام و سالم برای رشد می خواهند. دولتها، سازمانها و مردم صلحدوست در سراسر جهان از این خواست برحق ما حمایت می کنند.

بار دیگر ۸ مارس (۱۷ اسفند)، روز همبستگی رزمی زنان جهان را گرامی می داریم. زنان حقجو و مبارز سراسر جهان از برگزاری ۸ مارس برای تمرکز قوا و تشدید مبارزه در راه کسب حقوق و بدست آوردن موقعیت شایسته زنان در جامعه سود می جویند.

رژیم دیکتاتوری خمینی از ادامه وضعیت جنگی و اختیارات بی حد و مرزی که به این بهانه

است، بگونه ای فعال تلاش می ورزند تا ذهن جوانان را از مبارزه و فعالیت صنفی و سیاسی سازمانیافته منحرف سازند و عامل اصلی تشدید بی سابقه مسائل جوانان و بدتر شدن وضع آنها یعنی سیاست و عملکرد رژیم را در سایه قرار دهند.

در حال حاضر، جامعه ما بگونه ای تب آلود در انتظار دگرگونی بسر می برد. بدون تردید جوانان در محتوا بخشیدن به این دگرگونی و حل مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران نقش بسیار پراهمیتی ایفا خواهند کرد. چرا که روندهای جاری و مسائل موجود در جامعه بر شکل گیری مواضع و ژرفش شناخت و مستدعی فعالیت اجتماعی جوانان تاثیر مستقیم خواهد گذارد.

بر این بنیان، سازمان جوانان توده ایران باید با تعیین وظایف و تعیین همخوان با نیازهای امروز جنبش جوانان و همدوش و همسنگ با رققای

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

### به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد

### بنیانگذاری سازمان جوانان توده ایران

روز اول فروردین ۶۷ مصادف با چهل و پنجمین سالروز بنیانگذاری سازمان جوانان توده ایران است. بدین مناسبت خجسته، کمیته مرکزی حزب توده ایران، به رهبری سازمان جوانان توده ایران و تنگ تک اعضای آن، بعنوان یاران و یاوران وفادار حزب شادباش می گوید و برای فرزند خلف حزب در صحنه های پیکار انقلابی آینده، در راه اجرای رسالت تاریخی اش بسود زحمتکش، کامیابی های بزرگ آرزو می کند.

سازمان جوانان توده ایران، وارث و ادامه دهنده راه پر افتخار سازمان جوانان کمونیست ایران، بحق تجسم یک سازمان انقلابی و پیکارگر و شایسته نام فخر آفرین "توده" است. سازمانی که زیر رهبری حزب در میان جوانان، بمثابه یک نیروی بالقوه سیاسی پرتکاپو و پشتوانه جنبش کارگری و کمونیستی، با فداکاری و جاننازی و با پایبندی به آرمانهای والا، طبقه کارگر در راه بهروزی خلق رزمیده است و برگهای درخشانی از تاریخ جنبش انقلابی جوانان و مردم ایران با نام و نقش تاریخی اش رقم می خورد.

به باور ما، کارنامه ۴۵ سال کار و پیکار سازمان جوانان توده ایران، در مراحل گوناگون زندگی اش، خواه در شرایط علنی یا نیمه علنی و با مخفی، نشانگر آنست که این سازمان در راستای اجرای وظایف خطیر میهنی و انترناسیونالیستی خود، سازماندهی و تربیت سیاسی جوانان و جلب آنان به صفوف حزب، افشاندن بذر آرمانهای انسانی طبقه کارگر و تبلیغ خط مشی حزب در بین جوانان و نیز انجام بخشی از کارهای تبلیغاتی حزب، موفق بوده است. برای جوانان توده ای همین افتخار بس که با حضور خود در شهرها و روستاها، در محیط های کار و زندگی کارگران، دهقانان و روشنفکران زحمتکش جوان، با تلاشهای روشنگرانه و سازمانگرانه و کاربست اشکال و شیوه های درست مبارزه، نقش ارزنده و انکارناپذیری در تحول فکری جوانان ایران و گشایش و گسترش دورنمای مبارزه در برابر آنها ایفا کردند.

### رققای گرانمایه!

چهل و پنجمین زادروز سازمان جوانان توده ایران در شرایطی جشن گرفته می شود که بحران ژرفی سرپای جامعه را فرا گرفته است. جوانان و نوجوانان کشور ما با مسائل حادی دست به گریبان هستند و بویژه از رهگذر فرمانروایی رژیم ترور و اختناق پلیسی، سرکوب آزادیهای دمکراتیک و نیز ادامه جنگ خانمانسوز ایران و عراق زیانهای جبران ناپذیری متوجه حال و آینده زندگی آنهاست. در عین حال، همپای تشدید بحران رژیم و بالا گرفتن موج ناخشنودی و مخالفت عمومی علیه نظم موجود، دامنه نارضایتی جوانان نیز روزه روز گسترش می یابد. هم از این روست که از مدتی پیش، دست اندر کاران امور جوانان و دانشجویان رژیم، ضمن بیان "رکود جنبش جوانان و دانشجویان" که خود بمعنای وجود نیروی بالقوه عظیم مخالفت بر ضد رژیم آزادی کش و جنگ طلب "ولایت فقیه"

## پرسشهای بی پاسخ

نشریه "راه کارگر" در شماره ۴۶، دیماه ۶۶، مقاله مفصلی تحت عنوان "آیا ولایت فقیه خود را از قید فقه خلاص می کند؟" منتشر ساخته است که سؤال برانگیز است. در این مقاله که در تشریح فتوای خمینی نوشته شده است، کوشش می شود تا نظرات "بکری" ارائه شود. نویسنده مقاله نخست به سؤالی که در تیتیر مطرح کرده است پاسخ مثبت می دهد: آری، ولایت فقیه خود را از قید فقه خلاص می کند. به نظر وی رژیم "ولایت فقیه" که "در تمام طول مدت نه سال گذشته"، در تدوین قوانین و مقررات می کوشید تا "خود را با چهارچوب احکام فقه اسلامی انطباق دهد، با فتوای خمینی، درباره حدود اختیارات حکومت اسلامی در هفدهم دیماه، ناکهان خود را از "قید فقه" خلاص کرد.

نشریه "راه کارگر" برای اثبات نظر پیش گفته، با استناد به آیات و روایات و احادیث و احکام اولیه و ثانویه می خواهد به خوانندگانش بقبولاند که گویا خمینی و یارانش "طی نه سال تمام" فقه را (البته نویسنده نمی گوید "فقه سنتی" و یا فقه پیوبی" می مورد پذیرش جناحهای مختلف روحانیون را) بی کم و کاست مراعات می کردند و اینک با صدور فتوای خمینی فصل نوینی در حیات سیاسی رژیم گشوده شده است. این در حالی است که خود سران ج.ا.ی. فتواهای خمینی را در جهت اجرای "فقه اسلامی" می دانند. در جریان بحث میان خامنه ای و خمینی، رئیس جمهوری اسلامی واقعیت را به روشنی توضیح می دهد. وی پس از عقب نشینی در برابر خمینی، در خطبه نماز جمعه ۷ اسفند ۶۶، ضمن بحث پیرامون "حاکمیت فقیه در جامعه اسلامی" از جمله می گوید: "فقه اسلامی هیچ امری از امور بشر را از حکم الهی بیرون نمی داند. بنابراین حاکمیت ولی فقیه هم شامل امور فردی می شود و هم شامل امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی... یک فقیه با رهبر اسلامی مصالح مسلمین را نگاه می کند و آن چیزی را که مصلحت جامعه ایجاب می کند، برای آن حکم می دهند و احکام ولایتی که از جانب ولی فقیه صادر می شود، در حقیقت به معنی اجرای فقه است."

بنابراین بر خلاف ادعای نویسنده "راه کارگر" نه "رهبر اسلامی" و نه خامنه ای و دیگران در صدد "خلاص کردن" ولایت فقیه از "فقه اسلامی" نبوده و نیستند. آنها همه اقدامات و فتواهای "ولی فقیه" را در مجرای "اجرای فقه اسلامی" می دانند.

پس از مطالعه نوشته "راه کارگر" این سؤال مطرح می شود: آیا ملی کردن کارخانه های بزرگ، اموال منقول و غیر منقول عده ای از کلان سرمایه داران مدافع شاه، ملی کردن بانکها و بیمه های خصوصی و غیره در سالهای نخست پس از انقلاب و نیز تصویب قانون اصلاحات ارضی از جانب شورای انقلاب در همان ایام با فقه اسلامی همخوانی داشت یا نه؟

ما، این سؤال را مطرح کردیم، زیرا در مقاله مفصل تحلیلی "راه کارگر" مبارزه طبقاتی در بطن جامعه و با بدبتر سخن "مبارزه از پائین" جای خود را نیافته است. همه توجه تحلیل گر نشریه

معطوف به گفته ها و کشمکش های میان گردانندگان رژیم است و آشکار است که در این چارچوب تنگ نمی تواند به نتیجه مشخص و معقول برسد. تصادفی نیست که برای هر خواننده ده ها سؤال مطرح می شود.

مثلا، آیا واقعا نیز علت رد قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی از جانب روحانیون اعضا شورای نگهبان عدم انطباق آنها با فقه - و یا بنوشته "راه کارگر" محصول "مقید بودن" اعضا شورای نگهبان به "احکام فقه اسلامی" - است؟ آیا پایگاه اجتماعی و یا وابستگی طبقاتی اکثر اعضا این نهاد هیچ دخلتی در تصمیم گیری آنها نداشته ندارد؟

در مقاله می خوانیم که شورای نگهبان "هر چیزی را که خارج از چهارچوب احکام فقهی تشخیص می داد و تو می کرد و به این ترتیب بسیاری از قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی که با توجه به منافع عمومی رژیم فقهائو تدوین می شدند نمی توانستند از فیلتر شورای نگهبان رد بشوند."

می توان پرسید: چه فرقی میان "رژیم فقه" و اعضا روحانی شورای نگهبان، که فقیه هستند، وجود دارد؟ آیا "راه کارگر" شورای نگهبان را تافته جدا بافته ای از حاکمیت می داند که منافعی در تضاد با منافع عمومی رژیم فقه قرار دارد؟ مگر اعضا روحانی شورای نگهبان را شخص خمینی راسا انتخاب نکرده است؟

تحلیل گر "راه کارگر" کاری به این مسائل ندارد. وی، گرچه نقل قولی از رفسنجانی درباره اجتهاد (که از ویژگیهای مذهب شیعه است) می آورد، اما به ماهیت آن، یعنی ضرورت انطباق احکام اسلامی با شرایط زمان توجهی ندارد. او می خواهد ثابت کند که "ولایت فقیه" خود را از "قید فقه" خلاص کرده است و برای این نیز وجود دو جناح - "جناح مدافع بازاریان" و "جناح اصلی" - در حاکمیت را مطرح می کند و خمینی را مدافع "جناح اصلی" می داند. در مقاله، پس از نقل قوانین مفصلی از رفسنجانی و غیره در این زمینه که تاکنون "تقدیر به احکام فقه اسلامی، بی تردید غالبا به نفع جناح اولی، یعنی جناح بازاریان تمام می شد" به این نتیجه می رسد که اکنون فتوای خمینی جناح اصلی را "بطور قطع به پیروزی رسانده است."

چنانکه می بینیم، حکم نویسنده قناعی است: خمینی از "بازاریان محترم" روی برتافته و "جناح اصلی" را که قاعدتا باید خواهان خلاص کردن "ولایت فقیه" از "قید فقه" باشند به پیروزی رسانده است. بدینگر سخن "راه کارگر" معتقد به یک تحول کیفی در خصلت نظام "ولایت فقیه" است.

جالب است که "راه کارگر" افزون بر دو جناح پیش گفته، جناح ویژه ای را هم معرفی می کند که خامنه ای در راس آن است. نویسنده مقاله اصرار دارد که خامنه ای "برای تقویت موقعیت خود از مدت ها پیش می خواست میان دو جناح اصلی بازی کند...". در اینجا هم می توان پرسید: آیا

خامنه ای جدا از "جناح مدافع بازاریان است" و به عبارت روشنتر از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان دفاع نکرده و نمی کند؟

حال به این حکم "راه کارگر" توجه کنید: "فتوای خمینی گرچه در منازعات جناحهای درونی جمهوری اسلامی و شکستن "بن بست قانونگذاری" که رهبران این رژیم با آن روبرو بودند، تاثیر بسیار مهم و قاطعی دارد، اما نتایج آن در آینده جمهوری اسلامی و سنگبری آن بسیار مهمتر خواهد بود" (تکیه از ماست).

یک گام دیگر در جهت تأیید و اثبات تغییر کیفی و بنیادی در نظام "ولایت فقیه" اگر هر کس دیگری جز نویسنده "راه کارگر" از مبارزه جناحها بر سر قدرت به این ارزیابی می رسد، حتما به "اپورتونسم"، "رفرمیسم" و روی برتافتن از سیاست مستقل پرولتاریا متهم می شد. "راه کارگر" معتقد است که فتوای خمینی، اولاً، هم در "منازعات جناحهای" مختلف در درون حاکمیت و هم شکستن "بن بست قانونگذاری" تاثیر مهم و قاطع خواهد داشت، ثانیاً، این فتوا در آینده جمهوری اسلامی و سنگبری آن بسیار مهم خواهد بود.

چرا "راه کارگر" به این "نتایج مثبت" رسیده است؟ تحلیل گر نشریه با استناد به گفته های سران رژیم می نویسد، برای اینکه "پاسخ همه مسائل حقوقی جامعه" امروز رانمی توان در احکام فقه پیدا کرد. آیا این نظر تازگی دارد؟ البته نه! اگر نویسنده "راه کارگر" بخود زحمت حتی ورق زدن نوشته های مطهری، صدر، شریعتی، طالقانی و نیز متن سخنرانیهای چند سال پیش رفسنجانی در نمازهای جمعه و همچنین کتاب منتظری "قائم مقام" خمینی، و غیره را می داد، می توانست مشابه این نظر را با بسط و تفصیل بیشتر در آنها پیدا کند. بنابراین نویسنده "راه کارگر" اندیشه بکری را در این زمینه عرضه نکرده است. اما، نتیجه گیری درباره پایان "منازعات جناحها" پس از فتواهای اخیر خمینی نیز فاصله زیادی با واقعیت دارد. در این زمینه، سخنان حجت الاسلام سلطانی در سلسله مقالات "توضیحی درباره فتواهای" اخیر خمینی شاهد مثال خوبی است. وی صریحاً می نویسد: "آن جناح که معمولاً در مجلس با طرحها و لوایح اصولی بعنوان طرفداری از فروعات فقیه مخالفت می نمایند، با این بحث ها که اکنون در روزنامه ها روشنگر حدود اختیارات ولایت فقیه می باشد، از میدان بدر نمی روند و در موقع مناسب کار خود را می کنند. هم اکنون بعضی از آنها زرمه را آغاز کرده و می گویند اختیارات مربوط به ولی فقیه است، بدولت و مجلس شورای اسلامی چه ربطی دارد؟" ("کیهان"، ۲۲ دیماه ۶۶).

بدون تردید، جناح مورد نظر سلطانی در مقابل هر اقدامی راه خروجی خواهد یافت. اشتباه است، اگر تصور شود که مبارزه بر سر قدرت به این آسانی پایان خواهد یافت.

"راه کارگر" می نویسد: "... هیچیک از رهبران رژیم جمهوری اسلامی برای ایستادگی در مقابل شخص خمینی را ندارند". اگر این نظر صحیح است، در ابذصورت چگونه بنوشته "راه کارگر" اعضا شورای نگهبان "نه سال تمام" رویاروی خمینی قرار داشتند و قوانین مدافع "منافع عمومی رژیم فقه" را و تو می کردند؟ این ضد نقیض گوئی نویسنده را چگونه باید تعبیر کرد؟

## کدام مرکزیت؟

نویسنده\* "راه کارگر" به آنچه که گفته شد سنده نمی‌کند و تیز جدیدی را مطرح می‌سازد. بعقیده\* وی، خمینی می‌خواهد مرکزیتی برای روحانیت "که از جهاتی به شورای کاردینالهای کلیسای کاتولیک شباهت دارد" بوجود آورد. آیا واقعا خمینی در صدد ایجاد شورا است؟ "شورای کاردینالها" دارای خصوصیات و اختیارات ویژه‌ای است که "شورای روحانیت" خمینی (حتی اگر چنین شورایی بوجود آید) از هیچ "جهاتی" نمی‌تواند شبیه آن باشد. نویسنده\* "راه کارگر" نام "شورای کاردینالها" را که جنبه جهانی دارد شنیده است، اما مثل اینکه از وظایف آن بی‌خبر است.

بهر حال تحلیل‌گر "راه کارگر" می‌خواهد به خواننده بقولاند که خمینی مشغول "تجدید سازماندهی روحانیت" است و اگر این کار را با "تاخیر انداخته" است، هدفش جلوگیری از ایجاد "شکاف در میان روحانیت" بوده است. گویا، منظور از تجدید سازماندهی هم "راندن" روحانیت به "تبعیت از یک مرکز" واحد است.

باز می‌توان پرسید: وظیفه\* این مرکزیت جدید در شرایط مشخص کنونی، یعنی وجود "ولی فقیه" و قائم مقام وی چیست؟ آیا خمینی از حقوق مطلقه\* "ولی فقیه" دست بر می‌دارد؟ آیا دیگر "نظام ولایت فقیه" در جمهوری اسلامی وجود نخواهد داشت و قائم مقامی منتظری نیز منتفی است؟ آیا، با ایجاد مرکزیت به اختلاف جناحها و مبارزه\* آنها بر سر قدرت پایان داده خواهد شد؟ و آیا...؟

نویسنده\* "راه کارگر" به هیچیک از این پرسشها پاسخ نمی‌دهد و با بیان این نکته که تدابیر خمینی "در نهایت از ابهامات و آشفتگی‌های مفهومی و نظری فقها چیزی نمی‌کاهد"، همه\* تئوریهای را که پیرامون تغییر کیفی در "نظام ولایت فقیه" رشته بود بایک چرخش قلم پنبه می‌کند.

به نظر ما، فتوای اخیر خمینی اساساً جنبه\* عوامفریبی دارد و نمی‌تواند هیچ تحول بنیادی در جامعه بوجود آورد. هدف جلوگیری از روند رویگردانی توده‌ها از رژیم است. فتوای اخیر خمینی نه تنها به "خلاصی" نظام استبداد قرون وسطایی "ولایت فقیه" از "قید فقه" نمی‌انجامد، بلکه در چارچوب "فقه اسلامی" خودکامگی فردی "ولی فقیه" را تحکیم و تشدید می‌کند. در فعل و انفعالات اخیر، درست است که رسالت شورای نگهبان، بعنوان نهادی که طبق قانون اساسی ج.ا. حق و ثوی قوانین مصوب مجلس را داشت، تا اندازه‌ای تضعیف می‌شود، اما این به هیچ وجه به معنی آن نیست که "بن بست قانونگذاری" درج.ا. پایان خواهد یافت. تشکیل نهاد جدید پیش بینی نشده در قانون اساسی ج.ا. مرکب از فقهای شورای نگهبان، رئیس جمهور، رؤسای سه قوه، تسلی (رئیس دفتر مخصوص خمینی) و شرکت احمد خمینی در آن نیز تلاش مذبحانه‌ای برای نجات رژیم "ولایت فقیه" از بحرانی است که هر لحظه فراگیرتر می‌شود. در این نهاد نیز خمینی برای راضی نگاهداشتن جناحهای گوناگون، اضداد را گرد آورده است و حضور احمد خمینی در این نهاد تلاش دیگری جهت اعمال کنترل مستقیم خمینی است.

## "فضای صد درصد..."

مساعی‌اش را پکار می‌گیرد تا با چوسازی علیه نیروهای گوناگون سیاسی و لجن مال کردن چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته انقلابی، برای اشخاص مورد نظرش کسب آبرو کند. تلاش برای تدارک شوهای تلویزیونی با زیر شکنجه بردن زندانیان سیاسی را باید در این راستا دید. وزیر کشور ادعا می‌کند که انتخابات در "فضای صد درصد سالم، آرام و خالی از رعب و وحشت" برگزار خواهد شد. از ویژگی‌های این "فضای صد درصد سالم..." به زعم وزیر کشور، این است که "ما اجازه نخواهیم داد فلان قلدر و خان و رئیس و غیره و یا حزب، دسته، گروه و تشکیلات سیاسی، با برنامه ریزی‌های غربی، جو را پگونه‌ای مسموم نمایند که مردم نتوانند رای حقیقی خود را بدهند". هر انسانی، با آگاهی محدود سیاسی، درمی‌یابد که در واقع این خود رژیم است که با تهدید و بکیر و بهند جو جامعه را مسموم می‌سازد. وزیر کشور با مخدوش کردن مرزها میان "قلدر" و "خان" و "حزب" و "دسته" و "گروه" و "تشکیلات" و غیره و "غربی" نشان دادن شرکت احزاب سیاسی در انتخابات، هدفی جز مردم فریبی ندارد. کیست که نداند که معرفی کاندیداهای نایبندگی مجلس و غیره از جانب احزاب و سازمان‌های سیاسی و مبارزه انتخاباتی در فضای واقعا سالم است که می‌تواند به یک مجلس مشروعیت ببخشد. تنها در صورت برگزاری یک انتخابات آزاد و امکان تبلیغ نذرات و مواضع نیروهای گوناگون سیاسی - اجتماعی است که مردم می‌توانند امکان تمیز سره از ناسره را بیابند و "رای حقیقی" خود را به صندوق‌ها بریزند. حال وزیر کشور با انواع سفسطه‌ها می‌کوشد که این واقعیت تجربه شده رانفی کند و به آن انگ "غربی" بزند.

نکته‌ای که حتما باید به آن توجه کرد این است که در شرایط کنونی نیروهایی مثل "انجمن حجتیه" و غیره محدودیت سیاسی ندارند و زیر پوششهای گوناگون، با استفاده از امکانات وسیعی که در اختیار دارند، خواهند توانست عوامل خود را به مجلس بفرستند. بنا بر این سخن وزیر کشور که از ورود "خان و قلدر..." به مجلس جلوگیری خواهد شد، باد هواست. امروزه پویزه بسیاری از اهرم‌های مهم سیاسی و اقتصادی کشور در دست غارتگران اجتماعی و نایبندگان آنان است. سران مرتجع ج.ا. نیز از این بابت تشویشی به دل راه نمی‌دهند. اینان به فکر بقاء حاکمیت خود - به هر قیمتی - هستند و چنانکه بارها اعتراف کرده‌اند خطر عمده را از جانب نیروهای مترقی و انقلابی می‌بینند. به همین دلیل است که با تمام قوا بر علیه این نیروها تبلیغ می‌شود و دستگاه‌های اطلاعاتی و "امنیتی" تور تعقیب و مراقبت را بر سرشان پهن می‌کنند. و یا زندانیان سیاسی را تحت انواع فشار و شکنجه قرار می‌دهند و آزادی زندانیانی را که مدت محکومیت‌شان پایان یافته است به "توبه"

و عدم فعالیت سیاسی در جامعه مشروط می‌کنند. آنچه که رژیم را می‌ترساند حضور ذهنی این نیروها در داخل جامعه است که می‌تواند با ژرفتر شدن جنبش به حضور مادی تبدیل شود. در این زمینه، سخنان خامنه‌ای در نماز جمعه ۱۵ اسفند ۶۵ درباره حدود آزادی‌ها در ج.ا. واقعیت را خیلی خوب روشن می‌کند: "اگر ما می‌گوئیم که عقیده در جامعه اسلامی آزاد است، به معنای آن نیست که اجازه بدهیم خدعه‌پیشگان (!) در جامعه اسلامی به راهزنی ایمان مردم بپردازند. دست‌هایی که می‌توانند با ارائه جاذبه‌های مادی، دل‌های سست و ضعیف (!) را به سمت خود جذب کنند، اگر در جامعه اسلامی آزادی عمل داشته باشند انسان‌های ساده‌ای (!) را تحت تاثیر قرار خواهند داد. اسلام این اجازه را نمی‌دهد و با آن، مقابله می‌کند". رئیس جمهوری اسلامی در واقع قیاس به نفس می‌کند و منظورش از "خدعه‌پیشگان"، نیروهایی چون حزب توده ایران است که دارای برنامه‌اند و موضع انقلابی و منافع قوی آنان در جهت دفاع از منافع زحمتکشان و رشد و ترقی کشور، جاذبه‌ای قوی برای توده‌ها دارد. خامنه‌ای با زدن پرچسب‌های توهین آمیز "سست و ضعیف" و "ساده" و "ساده‌دل" به زحمتکشان، که گوئی این صفت‌ها سبب می‌شود تا تحت تاثیر "جاذبه‌های مادی" قرار بگیرند، در واقع مبارزه غلبه‌گانی را نفی می‌کند. درک او از آزادی، تامین "آزادی فعالیت اقتصادی" برای "خدعه‌پیشگان" واقعی است که تحت لوای "حکومت مستضعفان" شیره جان زحمتکشان را می‌مکند. تنها توقع او از "بازاریان محترم" اعتقاد به "خدا و دین" و "انفاق" به مثابه "یک اصل" است. وی می‌گوید: "وقتی در جامعه فقرایی وجود دارند باید انفاق شود. باید برای مسائل عمرانی انفاق شود...". یعنی اینکه همه زمینه‌ها برای غارت بی‌پند و بار توده‌ها فراهم شود و تنها کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان موظف باشند درصد ناچیزی از "درآمد" خود را برای "فقرا" و "مسائل عمرانی" "انفاق" کنند. چالب است که آقای رئیس جمهور برای غارت دسترنج زحمتکشان انگیزه "مادی" قایل نیست، اما اگر زحمتکشان از حقوق خود دفاع کنند می‌گوید که تحت تاثیر "جاذبه‌های مادی" قرار گرفته‌اند. این نیز وجه دیگری از پایمال شدن حقوق بشر و تجسمی از "فضایی صد درصد سالم، آرام و خالی از رعب و وحشت" در جمهوری اسلامی است.

\* \*

## احزاب منطقه در باره...

اسرائیلی اعلام و از ماهیت مزورانه سیاست دولت ایالات متحده امریکا در این زمینه پرده برمی‌دارند. متن این اعلامیه‌ها، که در آتن انتشار یافته است، بعداً به اطلاع خوانندگان "نامه مردم" خواهد رسید.

## گزارش رسیده

## در کردستان همه جابوی خون بمشام میرسد

## ||| کردستان زبیر آتش بمب و گلوله

سیای شهرهای کردستان را در وضعیت جنگی یعنی در وجود پناهاگاهها و فرارهای جمعی بعد از هر آژیر خطر می‌توان در نظر آورد. در کردستان همه جا بوی خون به مشام می‌رسد. امروز کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که در زمان حاکمیت خمینی، چه در جریان مه‌ارزه حق‌طلبانه خلق کرد در راه خودمختاری و چه در جریان جنگ خانمانسوز ایران و عراق عزیزی را از دست نداده باشد.

شهر سنندج سه بار آماج حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفته است. سه باب مدرسه شدیداً ویران و سه محله شهر متحمل خسارات جبران ناپذیری گردید. در مجموع بیش از چند صد نفر کشته و بیش از هزار نفر زخمی شدند. در سردشت، در نتیجه بمباران شیمیایی و گلوله باران مداوم شهر، بیش از شصت تن کشته شدند. شهر مریوان به خرابه‌ای تبدیل شده است. یکی از مهندسانی که جهت برآورد خسارات وارده، به این شهر سفر کرده بود، تعریف می‌کند که: "در تمامی این شهر چهل پنجاه هزار نفری، ششها کمتر از ۲۰ چراغ، آنهم در حاشیه شهر، کورسومی‌زند. همه خانه و کاشانه خود را یا از دست داده‌اند و یا در جستجوی محلی امن رها کرده‌اند. مردم یا به زوستانها پناه برده‌اند و یا در مسیر چاده مریوان - سنندج و یا راه‌های روستایی برای خود آلودگهایی ساخته‌اند که فاقد ابتدایی‌ترین امکانات و تسهیلات زیستی است. تاکنون صدها نفر کشته شده‌اند. روزها، کوه و دشت‌های مریوان پر از زن و بچه‌های آواره‌ای است که سرگرم جمع آوری علفها و گیاهان خودروی خوراکی برای پرکردن شکم خود هستند". در جریان بمبارانهای متناوب پانه توسط هواپیماهای عراقی بیش از هزار نفر کشته شده‌اند و آمار مجروحین و معلولین رقمی بیش از این است. در شهرهای سقز و مهاباد نیز مردم خسارات جانی و مالی فراوانی دیده‌اند. شهر نوسود هنوز در اشغال نیروهای نظامی عراقی است و آتشبارهای ایران شبانه روز بر روی این شهر آتش می‌بارند.

## ||| بیماری و بی‌داری

بیماری و بی‌داری در کردستان پیداد می‌کند. از نظر روحی و روانی، مردم در وضعیت کاملاً غیر طبیعی بسر می‌برند. آمار بیماری‌های عصبی و روانی بگونه‌ی پساپتق‌ای افزایش یافته است. یکی از پزشکان شهر می‌گوید که بیشتر مراجعان به مطب وی بیماران روانی هستند. تعداد بیماران روانی به علت کمبود دارو و نبود امکانات درمانی از یک طرف و ادامه جنگ و وضعیت ناپس‌امان موجود از طرف دیگر روز بروز افزایش

می‌یابد. بیماری‌های واگیر از قبیل تب‌توبه (مالاریا) پاریدیکرد در نقاط مختلف کردستان پیداد می‌کند. آمار مسولین شهرستان سنندج براساسی تکانه‌دهنده است: بیش از هزار نفر مسول در شهرستان سنندج شناخته شده‌اند. این وضعیت تقریباً در همه جای کردستان به چشم می‌خورد. بیماری‌های دیگری از قبیل حصه (تیفوئید)، قی و اسهال بچه‌ها و مسمومیت ناشی از مصرف مواد خوراکی غیر استاندارد در حال افزایش است. شخصی که سابقاً در داروخانه‌ای مشغول کار بود و آشنایان زیادی در داروخانه‌های کشور دارد، تعریف می‌کند که جهت تهیه دارو و درمان فرزند بزرگ بیمارم، که حصه داشت، به مردی زدم موفق نشدم داروی مورد نیازم را بدست بیاورم.

## ||| فرار سربازان

بمنظور دستگیری مشمولین و فراریان از خدمت سربازی، گزیمه‌های رژیم و جاشهای محلی ("بیشمرگه‌های مسلمان کرد") تا آنجا که بتوانند راه‌ها و کوره راه‌های روستایی را کنترل می‌کنند. برای دستگیر کردن جوانان، ماموران دولتی شبانه روز در شهرها و روستاها مشغول گشت زنی و پیگرد جوانان هستند. به محض مشاهده هر جوانی که ظاهراً یا به سن سربازی گذاشته است، عقاب وار سر او می‌ریزند و قبل از بازجویی و تعیین هویت، برای جلوگیری از فرار و هرگونه عکس‌العملی، بدست او دستبند می‌زنند تا از فرار او جلوگیری به عمل آورند. استفاده از کار کسانی که به خدمت سربازی نرفته‌اند و یا فراری هستند، تخلف محسوب می‌شود و با متخلفان شدت برخورد می‌گردد. مجازات متخلفان جریمه نقدی سنگین و حتی حبس و زندان است. در این بین کارفرمایان و سرمایه‌داران سودجو، جوانان تحت پیگرد را با دستمزدهای ناچیز استخدام و به شدیدترین وجهی استثمار می‌کنند. شوقاژکاری که بیش از سه سال نزد کارفرمایی کار می‌کرد، درد دل می‌کرد که ماهانه سه هزار تومان حقوق می‌گیرد و به علت نرفتن سربازی و نداشتن برگ معافیت ناگزیر به انجام کار طاقت فرسا، آنهم از هام تا شام است. این شوقاژکار می‌گفت: "مجبورم به هر کار پستی، تن بدم و دم نزنم و علاوه بر اینها منت کارفرما را هم بکشم... کارفرمای من از قبل هر روز کار من، بیش از سه هزار تومان سود به جیب می‌زند".

## ||| ۱۰۰ هزار نپرو

بعلت نارضایتی گسترده مردم، کردستان عملاً به پادگان نظامی رژیم مه‌دل شده است و روز بروز بر تعداد زندان‌های ساخته شده و یا در دست ساختمان اضافه می‌شود. حضور نظامیان نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. به روایتی

بیش از ۱۰۰ هزار تن یاسدار و بسیجی و در حدود ۳ لشکر از نیروهای ارتش در کردستان مستقر هستند. البته به این عده باید ژاندارم‌ها، پاسان‌ها و ماموران دستگاه عریض و طویل وزارت اطلاعات را هم اضافه کرد.

## ||| جلوه‌هایی از ستم ملی

پست‌های حساس دولتی و تقریباً تمام مسئولیت‌های کشوری، در خطه کردستان در اختیار اشخاص غیر بومی و عوامل رژیم است که غالباً از شهرهای دیگر ایران به کردستان اعزام می‌شوند. در موسسات و دوایر دولتی، دانشا کادر محلی مورد تحقیر و توهین و تهدید قرار می‌گیرد. به بهانه‌های مختلف همانند "سابقه همکاری با گروهک‌ها"، عدم رعایت "حجاب اسلامی" و یا شرکت در عروسی و جشن‌ها، کارمندان بومی را اخراج می‌کنند. در تاپستان ۶۶ تنها در شهر سنندج بیش از ۱۶ نفر معلم زحمتکش که اکثراً دارای سابقه طولانی تدریس بودند، به بهانه شرکت در مجالس عروسی، رقص و پایکوبی و عدم رعایت "حجاب اسلامی" از آموزش و پرورش اخراج شدند.

از چند سال پیش به این طرف مردم کردستان مجبورند عروسی‌ها و جشن‌های خانوادگی و محلی و ملی خود را با اجازه سپاه و ارشاد اسلامی برگزار کنند. جریان از این قرار است که پیش از برگزاری مراسم، برگزارکنندگان جشن یا عروسی باید مبلغی را به حساب ارگان‌های سرکوبگر، چپه یا "حساب امام" بریزند و فیش آن را در اختیار سپاه یاسداران بگذارند. با این وجود بیشتر اوقات درائتای عروسی، عوامل سرکوب به میان شرکت کنندگان می‌ریزند و به دستاویز مشروب خواری و یا نقض پوشش اسلامی مردم را مورد اذیت و آزار قرار داده و حتی بازداشت می‌کنند.

روزی نیست که در خیابان‌ها یا مساجد، ارگان‌های سرکوبگر جوانی راه بهانه‌های بیوج و بی‌اساس شلاق نزنند. با کسانی که به هواداران و یافعالان سازمان‌های سیاسی پناه دهند، بشکل بیرحمانه‌ای برخورد می‌شود. در سنندج در اوایل مهرماه امسال، ساکنان خانه‌ای را به بهانه پناه دادن به افراد مسلح، بطرز وحشیانه‌ای مورد ضرب و شتم قرار دادند و راهی شکنجه‌گاه‌های جهنمی ساختند و خانه را منفجر کردند. در شهر سقز، در سال ۶۳، ذرخیاپان شهناز سابق، صاحب خانه‌ای را جلوی چشم حیرت زده زن و فرزند و اهالی محل، در مقابل در منزلش، به بهانه "پناه دادن به یک فرد زخمی گروهک‌ها" - که با زور وارد خانه او می‌شود - تیرباران کردند. در روستاهای کردستان نیز وضع پمرا تپ بدتر از شهرهاست.

در کردستان اختناق پلیسی پیداد می‌کند. هیچ



گونه آزادی فعالیت، حتی برای مذهبپون سنی، وجود ندارد. علیرغم تبلیغات گوشخراش رژیم که گاه بیگانه دم از "وحدت امت اسلامی" می‌زند، حتی شخصی مانند مفتی زاده و هواداران او که تا دیروز از طرفداران پرو پاقرص رژیم بودند و امروز هم علا به هیچ وجه تهدیدی علیه رژیم به حساب نمی‌آیند، اجازه کوچکترین فعالیت اجتماعی یا برگزاری مراسم مذهبی خود را ندارند. مفتی زاده چند سال است که در زندان پسر می‌برد. روحانیونی که در کردستان با رژیم همکاری می‌کنند، اکثرا از عوامل سابق رژیم پهلوی و از چیره‌خواران و چاسوسان ساواک هستند. برای مثال: شیخ عبدالکریم مردوخ، امام جمعه مریوان و رئیس جامعه "روحانیت مهارز کردستان"، نوبری و شیخ شمس‌الدین مریوانی از عوامل ساواک بودند که اسامی آنها با کد و شماره رمز در لیست ساواکی‌ها آمده بود.

در سطح شهرهای کردستان، هر چند وقت یکبار به بهانه مهارزه با منکرات به نوار فروشی‌ها می‌ریزند و اقدام به مصادره و نابود کردن کنجینه فولکلوریک مردم در قالب ترانه‌ها و آوازهای محلی می‌کنند.

### مقاومت مردم در برابر خودسری‌ها

در سالهای اخیر، غالبا مشاهده می‌شود که مردم نیز در مقابل خودسری‌های عوامل رژیم آرام نمی‌نشینند. در جریان دخالت در عروسی‌ها و اعیاد درگیری‌هایی بین مردم و پاسداران بوجود می‌آید. در مواقع مناسب و در مواردی نه اندک، مردم در کوچه و خیابان عوامل شُرور رژیم را به باد کتک می‌گیرند. هنگام بهارنیا، مردم شعارهای "مرگ بر خمینی"، "مرگ بر چاش!" و "زنده باد صلح!" سر می‌دهند. در جریان بهارن، سندانج، در محله پیرمحمد، بین جوانان خشمگین و ماموران و پاسداران درگیری پیش آمد و عوامل رژیم علیرغم تیراندازی هوایی ناکزیر به فرار شدند. در جریان پخاک سیردن کشته‌های جنگ و بهارنهای رژیم عراق خانواده‌های عزادار با لعن و نفرین به رژیم جنگ طلب و عدم اجازه به ماموران دولتی، خصوصا سپاه پاسداران، برای دخالت در برگزاری مراسم، در واقع انزجار خود را از رژیم و ادامه جنگ نشان می‌دهند. در راهله با بسیج نیرو جهت چپه‌های بی‌بازگشت جنگ، رژیم تا مقطع کنونی حتی پس از اعلام بسیج عمومی نتوانسته است نقشه‌های شیطانی خود را پیاده کند. مقاومت کارمندان دولت و کارگران شهرداری، دخانیات، کارخانه شاهر و کارگاههای موجود در برابر تقاضای اعزام به چپه‌ها - که در مواردی حتی کار به استعفا کشیده است - نشانه روشنی از عدم موفقیت رژیم در گردآوری گوشت دم توب از بین مردم کردستان است. پس از صدور فرمان ده ماده‌ای ستاد پشتیبانی جنگ و تاکید مکرر بر ضرورت "شرکت آحاد ملت در چپه‌ها"، رژیم در کردستان با هیچ‌گونه موفقیتی روبرو نشده است.

چادرهای جمع‌آوری کمک مالی به اصطلاح "مردم ایثارگر کردستان" که در شهرها در سر چهارراهها پشم می‌خورد، خالی از هدایا و کمکهای مردم است. البته باید این موضوع را نیز توضیح داد که رژیم در مواردی با توسل به زور و عوامفریبی به جمع‌آوری نیرو از میان کارمندان و روستائیان مناطق شیعه‌نشین قروه و بیجار می‌پردازد و یا به خیابان کشاندن سربازان و پاسداران و عوامل خود در کردستان، نمایشهای مسخره‌ای را به منظور تبلیغ پیرامون شرکت مردم کردستان در جنگ و چپه‌ها، براه می‌اندازد. این نمایشها عموما ساختگی است و بدون شرکت واقعی و فعال مردم برگزار می‌گردد. در چند سال اخیر، سپاه پاسداران با سوءاستفاده از نداری و بیکاری گسترده در سطح منطقه، طرح‌هایی بنام "سرباز معلم" و "پاسدار محلی" را به اجرا گذارده است. هدف از اجرای این طرحها، اجیر کردن مشتی کرد بومی برای شرکت دادن آنها در سرکوب مبارزات حق طلبانه خلق کرد است. در مواردی نیز روستائیان را ناکزیر می‌سازند که در دوره خدمت سربازی در طرح ایجاد کمربند امنیتی بدور روستاها شرکت کنند، یعنی اسلحه بدست گیرند و به خدمت رژیم درآیند. در راه اجرای این طرح سرکوبگرانه، سپاه پاسداران در روستاها اقدام به ایجاد پایگاههایی می‌کند. نیروی اصلی برای اجرای این طرح از بین دهقانان و جوانان روستایی و از طریق دریافت اجباری وجه الضمان و وثیقه سنگین که مبلغ آن بیشتر از قیمت یک اسلحه قاچاق است، تامین می‌شود. گام برداشتن در راه اجرای این طرح سرکوبگرانه، در مواردی نه اندک با مقابله سرسختانه روستائیان روبرو شده است. برای مثال در روستاهای اطراف مریوان (ن)، وله ژیر، دره تفه و سرشیر) دیواندره و بانیر مردم به رویارویی جمعی با مزدوران مجری طرح پرداختند. و این توطئه را با شکست مواجه ساختند و در نتیجه رژیم ناکزیر به عقب نشینی گردید.

رژیم هرازچندی یکبار در ادارات دولتی و در میان صنوف بازار دست به اخاذی، یعنی کسر حقوق و جمع‌آوری اعانه و کمک برای چپه‌ها می‌زند.

بعلت فقر و تنگدستی مردم که در وحله نخست، ناشی از سیاست ضد خلقی رژیم است، شغلای کاذب و انگلی از قبیل سیگار فروشی، کوبین فروشی، واسطه‌گری، سلف خری، قاچاق فروشی، خرید و فروش مواد مخدر و فحشا بالا گرفته است.

### گرانی سرسام آور

گرانی امان مردم را بریده است. برای تجسم وضع قیمت برخی اجناس و مایحتاج ضروری مردم را مورد بررسی قرار می‌دهیم: قیمت یک کیلو گوشت حداقل ۲۰۰ تومان، قیمت یک کیلو قند در بازار آزاد ۸۰ تومان، چای ۲۰۰ تومان، برنج ۸۰ تومان، روغن نهائی ۱۵۰ تومان، گوشت مرغ

۱۲۰ تومان، تخم مرغ کیلوئی ۶۰ تومان، پنیر ۱۲۰ تومان، یک قوطی تایید ۲۵۰ گرمی ۱۰۰ تومان، یک قالب صابون ۲۰ تومان. جهت مقایسه افزایش قیمت این اجناس، بهجاست قیمت واقعی آنها که بمقدار کم بصورت کوبینی در اختیار مردم قرار می‌گیرد، در زیر آورده شود: هر کیلو گوشت ۷۵ تومان، چای ۶۰ تومان، برنج ۱۰۰ تومان، روغن نهائی ۶۰ تومان، تخم مرغ ۱۷۰ تومان، پنیر ۲۰ تومان، تایید و صابون ۲۵ ریال. نتیجه آنکه، در برخی موارد قیمت آزاده برابر قیمت دولتی است. علاوه بر اینها، قیمت سایر اجناس از قبیل قماش، دارو، شیرخشک، دستمال کاغذی، پوشاک بچه، لبنیات و حبوبات بدلرز سرسام‌آوری بالا رفته است و بعضی اقلام ضروری از لیست خریدهای ضروری بیشتر خانواده‌ها حذف شده‌اند. برای روشن شدن فلاکتی که دامن مردم کردستان را گرفته است، همچنین باید این را اضافه کنیم که میزان دستمزد پایه روزانه که از طرف وزارت کار رژیم برای هر کارگر بالغ و بزرگسال تعیین شده حدود ۷۷ تومان است. حال اگر کارگر هزار زور هم بزند، با اضافه کاری چند ساعته، دستمزد خود را به ۱۲۰ تومان می‌رساند.

دیگر "موهن" رژیم خمینی برای خلق کرد عبارتند از: فساد و رشوه و ارتشاء، اختلاس، پارتی بازی.

در پایان باید گفت که خلق کردستان که در راه تامین حقوق حقه خویش و دفاع از آزادی قربانیان زیادی تقدیم جنبش آزادیبخش خلقهای ایران کرده، مطمئنا با توجه به سابقه درخشان مبارزات گذشته و با توجه به ناراضی عمومی و مبارزه‌ای که هم اکنون در جریان است، در آینده نیز نقش واقعی خود را در جنبش آزادیبخش خلقهای سراسر ایران بنحو احسن انجام خواهد داد.



### چهلین سال...

در این گردهمایی میلش یاکش، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی، تاکید کرد که در سال ۱۹۴۸ زحمتکشان زیر رهبر حزب کمونیست، گزینش سیاسی خود را به سود سوسیالیسم انجام دادند. اکنون، چهار دهه پس از پیروزی فوریه درستی راه برگزیده شده بطور کامل اثبات گردیده است.

رفیق یاکش افزود: همه دستاوردهای ما تا کنون محصول زحمات فداکارانه خلق است. دوستی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، عضویت در شورای همکاری اقتصادی و در پیمان ورشو شرایط مساعدی را برای توسعه و تکامل جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی فراهم آوردند.

در بخش مربوط به سیاست خارجی کشور رفیق میلش یاکش پشتیبانی کامل کشورش را از سیاست سازنده و صلحجویانه اتحاد شوروی اعلام کرد.

## "حزب کمونیست اسپانیا": به جنگ پایان دهید

۵۹۸ "شورای امنیت" سازمان ملل متحد و پایان بیدرتنگ جنگ ایران و عراق شد. کنگره پشتیبانی خود را از مبارزه مردم ایران برای صلح و پیشرفت اجتماعی ابراز داشت.

نماینده حزب توده ایران هنگام شرکت خود در کنگره دوازدهم حزب کمونیست اسپانیا با هیئت‌های نمایندگی برخی از احزاب برادر ملاقات کرد. بدون تردید حاصل این ملاقاتها در راستای تحکیم باز هم بیشتر مناسبات حزب توده ایران با این احزاب خواهد بود.

فعالیت نماینده حزب همچنین مصاحبه با سردبیر "نوٹوو رومبو"، ارگان مرکزی "حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا"، و "ال پائیس"، پرتیراژترین روزنامه صبح اسپانیا را در بر گرفت.

چنانکه در شماره ۱۹۶ "نامه مردم" خیر دادیم، دوازدهمین کنگره "حزب کمونیست اسپانیا" در روزهای ۲۱ - ۱۹ فوریه در مادرید برگزار شد. در این کنگره نماینده حزب توده ایران نیز شرکت کرد و پیام کمیته مرکزی حزب را به نمایندگان کنگره ارائه داشت.

در این پیام شرح مفصل از پیکار دشوار مردم ایران علیه رژیم جنگ و اختناق خمینی آمده است. کمیته مرکزی حزب توده ایران همچنین همبستگی خویش را با کوشش کمونیست‌های اسپانیا در راه تجدید و تقویت وحدت جنبش کمونیستی این کشور ابراز می‌دارد.

کنگره دوازدهم حزب کمونیست اسپانیا در بخشی از قطعنامه‌های خود خواهان اجرای قطعنامه

## فراخوانی

دستهای تهامی  
دریچه‌های زمان را به شب گشوده‌اند  
و مرگ به سادگی افتادن هرگی از درخت  
امری است عادی

ویرانگی ست چشم آزار  
و پیا را فشرده‌گی زنجیرست  
دلگیر

لبخند، تصویر نیست نیمه‌جان  
که هر شبه نقش می‌بندد  
بر رویای کودکان  
و هر سپیده می‌میرد  
بی نام و بی نشان

آوار می‌بلعد هر آنچه بودنی‌ست  
و هیولای جنگ می‌طلهد هنوز

شط خون چوان را  
و هر چه تاب و توان را  
تشویش بر پیشانی گره می‌خورد  
و انتظاردست‌ها، بدامن فردا.  
ز هر کنار گوشه می‌خیزد آوا:

قاصد شکفتگی روزهای نوا  
صلح سرخروی  
راه سپیده را چلاکتر پیوی!  
پا در رکاب گیر اسب امید را  
انہان مہر را بر ما نثار کن  
انہانی از تپیدن خورشیدهای دور

در هر که سحر  
انہانی از شعور ظفرمند عاشقان  
انہان آرمیدگی پلک‌های روز  
بی ترس و بی خطر

انہانی از سرایش آزاد زندگی  
آغوشی از ترنم مستانه بازکن  
آهنگ نغز رهایی توساز کن  
ناهیـــد  
زمستان ۱۳۶۶

## خودسری و هرج و مرج

چان ہدر بہرند و درگیری بہ نفع سپاہ پایان یافت. در جریان این "نہرد" یکی از سربازان در دم کشتہ شد. سرباز دیگری از ناحیہ نخاع مجروح و فلج گردید. یک سرباز نیز از ناحیہ پا مصدوم شد. دہ‌ہا نفر نیز بر اثر ضربات چوب و سنگ زخم‌های سطحی برداشتند. اواخر شب اوضاع آرام گرفت ... فردای آن روز فرماندہان یادگان سعی کردند قضیہ را لاپوشانی کنند و گفتند ما چرا بر اثر اشتہاہ و سوء تغام پیش آمدہ است ..."

- "پیش از روی کار آمدن شہردار جدید تہران، در منطقہ نیروی هوایی، واقع در شرق تہران، بر سر زمین و تاسیساتی در این منطقہ کہ متعلق بہ شہرداری بود و سپاہ آن را تصرف کردہ بود، بین پاسداران و ماموران شہرداری زد و خورد شد. کارمندان شہرداری با بیبل و کلنگ و دیگر دست‌افزارها بہ پاسداران حملہ کردند. در نتیجہ گروہی از سپاہیان زخمی شدند. ولی زدو خورد تلفات چانی در بر نداشت. پس از مدتی ہلالخرہ بہ پاسداران دستور عقب نشینی دادہ شد و زمین و تاسیسات یاد شدہ بہ شہرداری واگذار گردید."

- "حدود ۲۰۰ نفر از جوانان خوزستانی کہ برای خدمت نظام وظیفہ بہ تہران اعزام شدہ بودند تا در سپاہ دورہ بہبندند، پس از دو ہفتہ ہلاتکلیفی و فرستادہ شدن از این یادگان بہ آن یادگان سرنجام بہ یادگان حمیدہ اہواز ہازگرداندہ شدند. سپاہ در آنجا نیز از تحویل گرفتن آنہا خودداری کرد. جوانان کہ خستہ و عصبانی بودند، از سپاہ خواستند کہ بہ آنہا اجازہ ورود بہ یادگان دادہ شود. سپاہ نپذیرفت. جوانان بہ زور داخل یادگان شدند. کار بہ زدو خورد و تیراندازی کشید. گروہی کشتہ و قریب بہ ہفتاد نفر زخمی شدند ..."

آتش ہرج و مرج در ج.ا. روز بروز شعلہ ورتہر میشود. رژیم کہ در درون نهادها و مراکز مختلف نتوانستہ است نظم و آرامش لازم را برقرار سازد، ہر روز شامہ درگیری تازہ‌ای است. ہر خورد میان نهادها، بخصوص از جانب سپاہ پاسداران، باخشونت توام است و نشان می‌دہد کہ این نهاد برای تحکیم پایہ قدرت و ادیرہ نفوذ خود از میج جنایتی فروگذار نمی‌کنند. در این زمینہ گزارشا و خبرهای متنوعی بہ دفتر "نامہ مردم" می‌رسد. بہ عنوان مشت نمونہ خروار قسمتهائی از چند گزارش در زیر می‌آید:

- "بر سر تصرف اراضی قسمت شرقی یادگان ا. تہران، در ۲۲ آبان امسال، سپاہ بطور خودسرانہ اقدام بہ زدن چادر و بیادہ کردن ۲۰۰۰ نفر نیرو کرد. با آن کہ سربازانی ہرای نشستن در مقابل ہولدوزہا و ایجاد مانع در ہراہر سپاہ اعزام شدہ بودند، اما در عمل کاری از آنہا ہر نیامد. سپاہ در فاصلہ یک متری حریم یادگان دور تا دور محوطہ مورد نظر راسیم خاردار کشید و در ہر بزرگ عبور و مرور یادگان در محوطہ را ہوسیلہ دستگاہ چوشکاری مسدود کرد. ساعت ۸ شب رانندہ یک خودروی ارتشی کہ ہرای سربازان در محوطہ شام آورده بود، طبق دستور بہ در مسدود زد و آن را شکست. پاسداران رانندہ را کہ سرباز ہخت ہرکشتہ‌ای بود ہشدت کتک زدند و شیشہ‌های خودرو را شکستند. پس از آن یادگان بہ حال آمادہ باش درآمد. سربازان در پشت سیم خاردار موضع گرفتند. سپاہ نیز آرایش نظامی گرفت. درگیری ابتدا با یرتاب سنگ و چوب از سوی پاسداران آغاز شد. دقایقی بعد تیراندازی هوایی آغاز گردید. سپس، گویا بہ دستور فرماندہ سپاہ، گروہی از سپاہیان مستقیم بہ طرف سربازان نشانہ رفتند. ہوی ہاروت و صفیر کلولہ فضا را ہر کرده بود. سربازان عقب نشستند تا از مہلکہ

## کمک‌های مالی رسیده:

"م" از فرانسه ۲۰۰ فرانک  
"سلمان" از فرانسه ۲۷۵ فرانک  
سارا از آلمان فدرال ۲۵۰ مارک  
درآمد یک روز کار از آخن ۱۲۰ مارک  
سیامک از بن ۱۵۰ مارک  
روزہ از بن ۱۰۵ مارک  
ک.م. از فرانکفورت ۴۴/۶۰ مارک  
سیاوش کوچولو از سوئد ۱۰۰ کرون

آدرس پستی:

NAMEH  
MARDOM  
NO: 198

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

15 March 1988

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است